خبر

افشاگری گمرک درباره یک محموله وارداتی

● **خبرآنلاین:** گمرک جمهوری اسلامی ایران موفق شد تعداد ۲۳میلیون‌عدد قرص ترامادول را از یک محموله وارداتی کشف کند. حراست گمرک شهید رجایی با همکاری اداره اطلاعات استان هرمزگان اقدام به متوقف‌کردن یک‌دستگاه کانتینر ورودی نمود و پس از بازرسی‌های به‌عمل آمده موفق به کشف تعداد ۳۱۵کارتن قرص ترامادول شامل بیش از ۲۳میلیون‌عدد قرص و کپسول ترامادول شد. این کانتینر حاوی ۳۳۱کارتن لامپ هم بوده، به همراه ۳۱۵ کارتن قرص و کپسول ترامادول در مجموع ۶۲۲ کارتن با عنوان لامپ روشنایی به گمرک اظهار شده بود که حراست گمرک شهید رجایی بندر عباس با همکاری اداره اطلاعات استان هرمزگان از ورود این میزان موادمخدر صنعتی به داخل کشور جلوگیری کرد. شایان ذکر است که این محموله متعلق به شرکتی به نام نیک‌اندیش معراج بوده و از کشور هندوستان به قلمرو جمهوری اسلامی ایران وارد شده بود.

حاشیه‌های فروش نفت توسط «ناجا» در دولت دهم

● **ایسنا:** نیروی انتظامی دومحموله نفتی را که در سال ۱۳۹۱ از شرکت نفت دریافت کرده بود به قیمتی معادل ۱۷۰میلیون‌دلار به فروش رسانده اما همچنان پول آن را به شرکت ملی نفت واریز نکرده است. حسین راغفر در یک مناظره تلویزیونی از فروش دومحموله نفتی که نیروی انتظامی در دولت دهم از شرکت ملی نفت دریافت کرده بود، خبر داد و گفت: ارزش این محموله‌های نفتی ۱۷۰میلیون‌دلار است که نیروی انتظامی پول آن را به دولت پرداخت نکرده است. این درحالی است که حدود یک‌ماه پیش سیدمحسن قمصری، مدیر امور بین‌الملل شرکت ملی نفت در گفت‌وگویی اعلام کرده بود که ظاهرا نیروی انتظامی موفق به فروش محموله‌های نفتی نشده است. قمصری با اشاره به اینکه پول این دومحموله پرداخت نشده و انشاءالله زمانی که محموله‌ها به فروش رسید، نیروی انتظامی پول را پرداخت می‌کند، گفته بود که اگر نیروی انتظامی بخواهد، می‌توانیم محموله نفت را برایشان بفروشیم. البته این اظهارات درحالی مطرح‌شده که احمدی‌مقدم، فرمانده ناجا، بهمن‌ماه سال گذشته در این‌باره گفته بود که دولت پیشین در ازای جبران کسری بودجه این ارگان، محموله‌ای نفتی به آن تحویل داده و این اقدام نیز پیشنهاد شخص احمدی‌نژاد، رییس دولت پیشین بوده است. احمدی‌مقدم با گلایه از قرارگرفتن نام نیروی انتظامی در کنار نام مفسدان اقتصادی گفته بود که حدود یک‌سال پیش دکتر احمدی‌نژاد، رییس‌جمهوری وقت جلسه‌ای را برگزار کردند و کسری اعتبار در قالب فروش یک‌محموله نفتی به ناجا واگذار شد و محموله نیز فروش رفت و در قالب ۱۱درصد کسری اعتبار تامین شد. احمدی‌مقدم با اشاره به اینکه کار به‌صورت کاملا قانونی و با مجوزهای رسمی دولت انجام و تنها در زمان حسابرسی کمی تعلل شد، از نوشتن نامه‌ای به دولت برای اینکه کسری از این محل تسویه‌حساب شود، خبر داده بود. اما از آن سو احمدرضا رادان، جانشین پیشین فرمانده ناجا در این‌باره گفته بود که بخشی از این بدهی پرداخت شده و باقیمانده آن هم با مذاکرات انجام شده با دولت درحال پرداخت است. مسلم است که این اقدام و کمک نفتی به دولت، با مجوزهای دولت وقت صورت‌گرفته است. طبق گزارش تفریغ بودجه سال ۱۳۹۱ که بهمن‌ماه ۱۳۹۲ منتشر شده، اعلام شد که شرکت ملی نفت ایران در تاریخ ۴آبان۱۳۹۱ یک‌میلیون‌و ۶۳۹هزار و ۳۴۲بشکه نفت خام به ارزش ۱۸۵میلیون‌و ۲۴۰هزار و ۴۲دلار و به سررسید ۳آذر۱۳۹۱ با تضمین فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران به یکی از شرکت‌های وابسته به نیروی انتظامی تحویل داده و این شرکت با وجود فروش نفت خام مذکور و دریافت بهای آن، از پرداخت بدهی خود به شرکت ملی نفت ایران خودداری کرده است.

وزیر نیرو:

طرح‌ها و اعتبارات «نجات دریاچه ارومیه» تصویب شده است

● **تسنیم:** وزیر نیرو با اشاره به اهمیت نجات دریاچه ارومیه گفت: طرح‌ها و اعتبارات «نجات دریاچه ارومیه» تصویب شده است. حمید چیت‌چیان اظهار کرد: با توجه به اهمیت و ضرورت نجات یکی از ارزشمندترین دریاچه‌های دنیا و با توجه به تاکید ریاست‌جمهوری، جلسات کارشناسی متعددی در این مورد برگزار شده است. وی تصریح کرد: در این زمینه اجرای طرح‌های وزارت نیرو درباره احیای این دریاچه آغاز شده است. عضو کارگروه نجات دریاچه ارومیه ابراز امیدواری کرد با حمایت دولت، در آینده نزدیک این دریاچه احیا شود. وی با اشاره به لزوم بازبینی در تعرفه‌های برق در شهرهای کشور از بازبینی در این تعرفه‌ها در همه شهرها خبر داد. چیت‌چیان با بیان اینکه براساس معیارهای کارشناسی رطوبت و درجه حرارت، مبنای اصلی گرمسیربودن یا طبقه‌بندی تعرفه‌های بهای برق در شهرهای کشور است، خاطرنشان کرد: پس از کارشناسی مجدد تعرفه گرمسیری در سراسر شهرهای مشمول در کشور طبقه‌بندی‌شده و برای تصویب نهایی به دولت تقدیم می‌شود. وی از ارایه پیشنهاد اعتبارات مربوط به خشکسالی به معاونت برنامه‌ریزی و معاونت راهبردی رییس‌جمهوری برای طرح در جلسه هیات دولت خبر داد.

علی قنبری در گفت‌وگو با «شرق» بررسی کرد

تدوین و اجرای نادرست؛ گریبانگیر برنامه‌های توسعه

ادامه از صفحه ۴

سه‌شاخص داشتیم که یکی از آنها اقتصادی و دوتای دیگر اجتماعی بود؛ شاخص بعدی در چه حوزه‌ای است؟

شاخص بعدی یک شاخص سیاسی است، «شاخص حکمرانی» خوب شاخص چهارمی است که در این شاخص ترکیبی برای توسعه انسانی دنبال می‌شود و باید برای آن برنامه‌ریزی کرد. یعنی اینکه دولت خوب دولتی است که مردمش در انتخاب مسوولان دخالت داشته باشند و مسوولان هم پاسخگو باشند، دولت با فساد مبارزه کند و فعالیتش شفاف باشد و مردم در بدنه حکومت تاثیرگذار باشند. اگر بخواهیم این شاخص را با گزینه‌های خوب، بسیار خوب و عالی ارزیابی کنیم، وضعیت این شاخص در ایران خوب است؛ در حالی‌که در کشورهای پیشرفته این شاخص در وضعیت عالی قرار دارد.

به این ترتیب دولت به افرادی به غیر از اقتصاددان‌ها برای تدوین برنامه‌ششم توسعه نیاز دارد؛ فکر می‌کنید چنین عزمی در دولت وجود دارد؟

حقیقت این است که بنده الان در حال حاضر در نظام برنامه‌نویسی دولت دخالتی ندارم ولی اگر دولت بخواهد موفق شود، باید از دوقشر استفاده کند؛ اول اساتید دانشگاه‌ها و دوم افراد خبره و مجرب غیردانشگاهی و... در حوزه‌های مختلف نظرخواهی کند؛ یعنی در واقع از همه نظرخواهی کند.

اینطور که نمی‌شود از همه نظرخواهی کرد، اصلا با نظرخواهی از عموم مردم می‌شود برنامه توسعه نوشت؟

می‌شود، چرا نمی‌شود... . وقتی که دولت کار پیش‌نویس برنامه را در معاونت برنامه‌ریزی تمام کرد دولت این را در سایت خودش بگذارد و بگوید هرکسی نظری درباره برنامه توسعه دارد مثلا ظرف مدت یک‌ماه برای ما بفرستد؛ اینطور افراد علاقه‌مند می‌توانند اظهارنظر کنند، منتها باید طوری باشد که این برنامه همه‌فهم باشد، شعاری و کلی‌گو نباشد.

ما همیشه شعار می‌دهیم از نظر کارشناسان استفاده می‌کنیم، اما حقیقت این است که تنها عده‌ای از کارشناسان طرف مشورت هستند؛ حتی این ایده شما هم نمی‌تواند گره‌گشا باشد، مثلا اینکه دولت برنامه را روی سایت خود بگذارد و هرکسی نظر دهد که خب در نهایت منجر به اخذ نظرات کارشناسی نمی‌شود، چون حجم انبوهی حرف زده می‌شود که به کار دولت هم نمی‌آید.

دولت یک ستاد برنامه دارد که مسوول تدوین برنامه‌ششم است. این ستاد برنامه می‌تواند از همه اقشار صاحبنظر برای مشورت در مرحله تدوین برنامه استفاده کند... . در واقع در دومرحله می‌توان به کارشناسان رجوع کرد؛ یک مرحله قبل از تدوین برنامه به سراغ خبرگان و علمای هر حوزه رفت و نظرشان را خواست و یک مرحله هم بعد از تدوین این طرح پیش‌نویس را انتشار عمومی کرد و نظر صاحبنظران را خواست. به نظر بنده اگر این کار اجرا شود با استقبال کارشناسان هم روبه‌رو خواهد شد.

اگر بخواهیم موضوع برنامه‌نویسی را کلان‌تر از مصداق برنامه‌پنجم یا ششم ببینیم، به نظر شما مشکل برنامه‌نویسی در ایران چیست که برای ما توسعه را به همراه نمی‌آورد؟

مهم‌ترین مشکل برنامه‌نویسی ما مشکل ساختاری در برنامه‌نویسی است؛ ما می‌خواهیم همه مشکلات خودمان و کشور و جهان را در یک برنامه از طریق دولت حل کنیم؛ دخالت دولت در اقتصاد و سایر عرصه‌ها بیش از حد است.

دولت باید برای کمرنگ‌کردن نقش دولت در برنامه‌های توسعه و خود توسعه تلاش کند، حاکمیت باید برای وارد‌کردن بخش خصوصی و خود مردم به عرصه توسعه کشور تلاش کند نه قدرت‌دادن بیشتر به دولت و بزرگ‌ترکردن زمین بازی دولت... . ما به جای اینکه دولت- ملت باشیم باید ملت-دولت باشیم؛ دولت فقط در بخشی از امور مثل مسایل امنیتی، آموزشی، بهداشتی و... که مردم نمی‌توانند حضور داشته باشند، دخالت داشته باشد. یکی دیگر از اشکالات اساسی برنامه‌نویسی ما هم اتکای بیش از حد به نفت است، منابع ما از درآمدهای نفتی باید به درآمدهای مالیاتی تغییر جهت دهد. از طرف دیگر هم ما در برنامه‌ها جایی برای رقابت بخش خصوصی با دولت باقی نگذاشته‌ایم، بخش خصوصی ما توان رقابت با دولت را ندارد؛ از همین‌رو باید در برنامه‌های آینده زمین بازی و قواعد بازی را به نفع بخش خصوصی تغییر دهیم.

یعنی واگذارکردن طرح‌های توسعه به نهادهای حاکمیتی از نظر شما مخل توسعه است؟

بله پرهزینه است؛ با این وضعیت بخش خصوصی ما که باید مالیات دهد و کشور را پیش ببرد هرگز رشد نخواهد کرد. تجربه موفق دنیا حضور حداقلی دولت در امور کشورهاست.

صحبت‌های شما مرا به طرح این سوال می‌رساند که آیا اصولا تجربه برنامه‌نویسی بعد از انقلاب تجربه مفیدی بوده و این برنامه‌ها فایده‌ای هم به حال کشور داشته‌اند؟

اگر روند برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب را نگاه کنیم با یک منحنی U شکل که سیر منفی دارد، روبه‌رو می‌شویم؛ به این ترتیب که تجربه برنامه‌نویسی و اجرای برنامه توسعه در ایران در برنامه‌سوم به یک اوج می‌رسد و بعد از برنامه‌پنجم شروع به یک نزول کرده است. این منحنی متاسفانه نشانگر وضعیت خوبی از منظر توسعه نیست.

عوامل سیاسی مثل اختلاف بین جریان‌های سیاسی کشور و همین‌طور روابط بین دولت‌ها و مجلس‌ها چقدر بر این موضوع که برنامه‌های توسعه ناموفق باشند یا برنامه‌های خوبی از آب درنیایند، تاثیر داشته است؟

مطمئنا تاثیر قابل‌توجه و تعیین‌کننده‌ای داشته است؛ به‌عنوان مثال در زمان تدوین و تصویب برنامه‌سوم رابطه خوبی بین مجلس و دولت آقای خاتمی و جریان‌های سیاسی کشور در سایر بخش‌ها بود؛ برای همین است که می‌بینیم برنامه‌سوم یکی از بهترین و موفق‌ترین برنامه‌های کشور است؛ ولی بر عکس در برنامه‌چهارم و پنجم رابطه خوبی بین دولت آقای احمدی‌نژاد و مجلس وجود نداشت و ما شاهد این بودیم که برنامه در اجرا بسیار ضعیف بود.

برنامه توسعه را دولت منتخب یک ملت برای بهترشدن آینده همان ملت تدوین می‌کند و به شکل لایحه به مجلسی می‌دهد که باز هم از ترکیب نمایندگان همان مردم تشکیل شده است، چه اتفاقی می‌افتد که اجرای برنامه‌ها دستخوش نگاه‌های سیاسی می‌شود؟

این متاسفانه از ویژگی‌های توسعه‌نیافتگی است؛ ما در یک چرخه معیوب گیر افتاده‌ایم که از یک‌سو موجب تدوین برنامه‌های نادرست و از سوی دیگر باعث اجرای نادرست برنامه‌ها و در نهایت توسعه‌نیافتگی می‌شود که این توسعه‌نیافتگی خود دوباره موجب تدوین برنامه‌های نادرست و نگاه‌های سیاسی به توسعه می‌شود.

این اتفاق تنها برای یک برنامه نیفتاده است؛ ما به جز برنامه‌سوم در همه برنامه‌ها ناموفق بوده‌ایم؛ حالا اگر بگوییم دوبرنامه اول در شرایط جنگ و بعد از جنگ بود و توجیه دارد، اما برنامه‌چهارم و پنجم علنا در مهلکه اختلاف مجلس تحت فرمان آقای لاریجانی و دولت تحت‌فرمان آقای احمدی‌نژاد تلف شد. با این شکل برنامه‌نویسی ناموفق و بدون ضمانت اجرا آیا برنامه‌ننوشتن بهتر از برنامه توسعه‌نویسی و صرف این‌همه وقت و هزینه در دولت نیست؟ ما یک برنامه بودجه سالانه داریم، چه ایرادی دارد بر اساس همان جلو برویم؟

من فکر می‌کنم برنامه‌ریزی ولو اینکه ضعیف باشد بهتر از بی‌برنامگی است؛ یعنی همین تحقق اهداف ۳۰درصدی دوره احمدی‌نژاد هم به‌زعم ما بهتر از بی‌برنامگی برای آینده کوتاه‌مدت و بلندمدت است.

خب، این اهداف را می‌شود در بودجه‌های سالانه گنجاند، نمی‌شود؟

بودجه، برنامه سالانه است؛ باید بر اساس برنامه پنج‌ساله نوشته شود و برنامه پنج‌ساله هم بر اساس سند چشم‌انداز کشور. اینکه یک دولت به برنامه بی‌توجه بوده نباید مبنای ما برای کنارگذاشتن برنامه‌نویسی باشد؛ ما متاسفانه انحراف اصلی را در دولت آقای احمدی‌نژاد دیدیم؛ انحراف از وقتی شروع شد که رییس‌جمهوری سابق خودش را محور همه مسایل دانست، مجلس را نادیده گرفت، قانون را بها نداد و برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی را حق دولت می‌دانست نه مجلس. این نگاه مبنای انحراف شد و متاسفانه مجلس هم نظارت خوبی بر دولت نداشت و انحراف از برنامه به اوج خود رسید.

فکر می‌کنید با توجه به حضور برخی جریان‌های افراطی مخالف دولت در مجلس، برخورد مجلس فعلی با برنامه دولت آقای روحانی چگونه باشد؟

این مجلس با وجود اینکه در فضای دیگری شکل گرفته و با روحیات دولت یازدهم سازگاری چندانی ندارد، اما سیاست‌های آقای روحانی موجب شده که نهاد دولت و مجلس با هم اختلاف علنی و عمیق نداشته باشند؛ البته قطعا اگر دولت یازدهم به دنبال موفقیت باشد، باید مجلسی در آینده شکل بگیرد که با دولت هماهنگ‌تر باشد، این هم به طور طبیعی انجام خواهد شد.

رویه نظارت بر اجرای برنامه احتمالا تغییر خواهد کرد، به‌گونه‌ای که به احتمال قوی به دستور رهبری، مجمع تشخیص مصلحت نظام وظیفه نظارت بر اجرای برنامه‌ششم توسعه را برعهده خواهد داشت. البته این به هیچ‌وجه به معنای حذف نظارت مجلس بر اجرای برنامه‌ششم نخواهد بود

مجلسی که الان هست با دولت برای برنامه‌ششم چقدر همراه خواهد شد؟

مجلس نهم به نوعی نیاز به تایید دولت آقای روحانی دارد؛ دولتی که در مسایل سیاسی و اقتصادی موفق بوده... . از این‌رو مجلس فعلی حداکثر همراهی را با دولت در تصویب برنامه‌ششم خواهد داشت.

برنامه‌ششم وضع خاصی در میان برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب دارد؛ ما هنوز در شرایط تحریم هستیم، بسیاری از صنایع ما با ۳۰ تا ۴۵درصد ظرفیت خود کار می‌کنند و وضعیت اقتصادی کشور مطلوب نیست، شاخص‌های اجتماعی هم شاخص‌های چندان مطلوبی نیست؛ فکر می‌کنید برنامه‌ای که نوشته می‌شود باید چه ویژگی‌هایی برای عبور از شرایط حاضر داشته باشد؟

در برنامه‌ششم باید تلاش کرد مساله‌محور حرکت کرد، باید مسایل اقتصادی، ظرفیت اقتصادی و مشکلات اقتصادی را معین و بعد هدف‌گذاری کنیم؛ مثلا بگوییم تورم باید یک‌رقمی شود؛ نرخ بیکاری یک‌رقمی شود، رشد اقتصاد به هشت‌درصد برسد و... . مسایل ما باید به ترتیب اولویت مشخص و برای آنها هدف‌گذاری شود. شعار هم ندهیم.

با تحریم‌های اقتصادی چه باید کرد؛ تحریم‌ها اساس درآمدهای ما در برنامه‌نویسی را تهدید می‌کنند، چطور می‌شود با یک درآمد نامشخص به واسطه تهدید تحریم‌ها برای آینده کشور برنامه مبتنی بر اقتصاد نوشت؟

ما باید دو سناریو برای آینده کشور داشته باشیم؛ یک سناریو مبتنی بر وجود تحریم و یک سناریو مبتنی بر شرایط عادی اقتصاد.

من نگاه بدبینانه‌ای دارم؛ بنده معتقدم ما اصلا توانایی برنامه‌نویسی درست در کشور نداریم، به نظر شما ما اصولا توان اینکه برنامه درست بنویسیم، داریم؟ یا اینکه نه برنامه را خوب می‌نویسیم ولی اراده اجرا در کشور وجود ندارد و دولتمردان به قانون تن نمی‌دهند؟

حقیقت این است که بخشی از ضعف ما واقعا به برنامه‌نویسی و عدم‌توانایی در برنامه‌نویسی درست برای توسعه کشور برمی‌گردد؛ برنامه‌نویسان ما متاسفانه در بسیاری از موارد طی ۶۶ سال تجربه برنامه‌نویسی، به ظرفیت‌ها، توانایی‌ها و واقعیت‌های کشور توجه کافی و موثر نداشته‌اند؛ یک بخشی از ایراد هم به اجرا برمی‌گردد و بی‌توجهی دولت‌ها به اجرای قانون؛ البته موضوع نظارت بر اجرای این برنامه‌ها هم وجود دارد؛ از نگاه بنده مجلس یکی از مهم‌ترین مقصرهای خوب اجرایی‌نشدن برنامه‌های توسعه و تدوین‌نشدن برنامه‌های خوب توسعه است. نمونه این قصور در برنامه‌چهارم و پنجم و عملکرد دولت و مجلس در این دوران به‌خوبی مشخص است، البته در این دو برنامه فقدان سازمان برنامه و بودجه هم مزید بر علت شده بود.

اینطور که از خلال حرف‌هایتان برمی‌آید، شما جزو طرفداران احیای سازمان مدیریت برنامه و بودجه هستید؟

سازمان برنامه یک سازمان موفق بود؛ اگر انصاف داشته باشیم این سازمان مغز متفکر برنامه‌ریزی آینده‌نگر کشور بود که در کنار همه ضعف‌ها نقاط قوت غیرقابل انکاری هم داشت؛ می‌توانست خوب عمل کند، یکی از اشتباهات بزرگ و غیرقابل گذشت دولت احمدی‌نژاد این بود که به‌جای اصلاح ضعف‌های سازمان برنامه، آن را به کل از قاموس برنامه‌نویسی و بودجه‌ریزی کشور حذف کرد.

در برنامه‌نویسی برای توسعه ما شبیه چه کشورهایی هستیم؟

ما روشی مابین کشورهای سرمایه‌داری و کشورهای سوسیالیستی داریم؛ می‌شود گفت ما یک مشی لیبرال سوسیالیستی در پیش گرفته‌ایم؛ اهداف سوسیالیستی داریم و روش‌های لیبرالی... البته لزوما این روش اشکالی ندارد، ما باید بر اساس شرایط کشور پیش برویم.

بالاخره علم اقتصاد در هر کدام از این دو نحله یک مبناهایی دارد، امتزاج این مبانی سوای اینکه ممکن نیست، می‌تواند موجب آسیب هم شود؛ آیا این امتزاج موجب سرگشتگی ما در مسیر توسعه نمی‌شود؟

ما مبانی را روشن نکرده‌ایم، متاسفانه مبانی اقتصادی ما هنوز به آن وضوحی که مورد نیاز کشوری با عقاید و باورهای ماست؛ مشخص نشده است؛ اگر برنامه‌نویسی ما بر اساس مبانی فکری، فرهنگی، سیاسی و مذهبی خودمان نوشته شود، برنامه‌های توسعه‌ای بهتری برای آینده کشور خواهیم داشت.

به نظر شما با توجه به مشکلات بین جریان‌های سیاسی و قوای سه‌گانه، بهتر نیست یک نهاد فراقوه‌ای دست به کار تدوین و تصویب و نظارت بر اجرای برنامه‌های توسعه شود تا دولت‌ها و مجلس‌ها با نگاه جناحی و منافع حزبی نتوانند توسعه کشور را مختل کنند؟ به‌عنوان مثال برنامه‌چهارم که به اعتراف کارشناسان برنامه خوبی است، فقط به‌خاطر این اجرا نمی‌شود که اسم دولت خاتمی بر پیشانی آن قرار دارد، یعنی یک لجبازی سیاسی مانع اجرای برنامه‌ای کارشناسی‌شده برای توسعه کشور می‌شود؛ بهتر نیست یک نهادی قوی‌تر از مجلس که بالاتر از اراده دولت هم باشد نظارت بر اجرای برنامه توسعه را بر عهده گیرد؟

البته به‌عنوان یک خبر باید بگویم رویه نظارت بر اجرای برنامه احتمالا تغییر خواهد کرد، به‌گونه‌ای که به احتمال قوی مجمع‌تشخیص مصلحت نظام وظیفه نظارت بر اجرای برنامه‌ششم توسعه را برعهده خواهد داشت. البته به اعتقاد من بحث تنها بر سر نظارت یا اجرا نیست، بحث بر سر چارچوب‌ها و ساختارهای برنامه‌نویسی و توسعه در ایران است، ما باید اصلاح ساختار انجام دهیم.

خبر نظارت مجمع تشخیص بر اجرای برنامه‌پنجم چقدر جدی است؟ آیا با نظارت مجمع، نظارت مجلس حذف خواهد شد؟

بنده خبر دارم که از طرف مقام‌معظم‌رهبری این وظیفه بر دوش مجمع نهاده شده است؛ البته این به هیچ‌وجه به معنای حذف نظارت مجلس بر اجرای برنامه‌ششم نخواهد بود بلکه نظارت نهایی را مجمع انجام خواهد داد تا نظارت تقویت شود. البته در قانون این موضوع دیده شده که مجمع بر طرح‌ها و لوایح نظر دهد، این موضوع هم می‌تواند در راستای وظایف مجمع تعبیر شود.

عکس: محمد موبدی، شرق

گذر

«شاخص» بورس ۲۰۳واحد دیگر افت کرد

● **تسنیم:** افت ۲۰۳واحدی، شاخص بورس را تا نیمه ارتفاع ۷۴هزارواحدی پایین کشید. در پایان معاملات دیروز بازار سرمایه، شاخص بورس ۲۰۳واحد دیگر افت کرد و تا ارتفاع ۷۴هزار و ۶۳۷واحد عقب‌نشینی کرد. دیروز همچنین تعداد یک‌میلیارد و ۳۳میلیون‌سهم و حق تقدم به ارزش ۱۴۵میلیاردتومان در ۵۳هزار نوبت معاملاتی، دادوستد شد و نمادهای معاملاتی فارس، وبصادر و خودرو بیشترین اثر منفی را بر دماسنج بازار سهام گذاشتند و وخارزم، و صندوق و سفارس با رشد خود تلاش کردند تا مانع ریزش بیشتر نماگر بورس در روزجاری شوند.

گران‌کردن خودرو برای خرید بازیکن‌های میلیاردی

● **ایرنا:** عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس از خریدهای میلیاردی بازیکنان توسط خودروسازان انتقاد کرد. موید حسینی‌صدر روز یکشنبه به خبرنگار ایرنا با بیان اینکه نباید افزایش قیمت خودروها به خریدهای میلیاردی بازیکنان ورزشی ختم شود، یادآور شد: شرکت‌های خودروسازی که در لیگ برتر نیز تیم دارند با افزایش‌دادن قیمت خودرو، اقدام به خرید بازیکنان میلیاردی می‌کنند. وی با انتقاد از این حرکت برخی شرکت‌های خودروسازی افزود: قراردادهای خرید بازیکنان میلیاردی شرکت‌های خودروسازی با برخی تیم‌ها در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. حسینی‌صدر، هزینه‌کردن از بیت‌المال برای چنین مواردی را نادرست خواند و گفت: نباید سرمایه بیت‌المال صرف چنین مواردی شده و قشر عظیمی از جامعه با مشکلات متعددی در تهیه خودرو مواجه باشند. نماینده مردم خوی و چایپاره در مجلس شورای اسلامی گفت: بسیاری از این باشگاه‌ها که قراردادهایی بین شرکت‌های خودروسازی برای فروش بازیکن می‌بندند از توانایی لازم برخوردار نبوده و حتی بازیکنان تربیت‌یافته آنها توان حضور در بازی‌های داخلی و خارجی را ندارند. وی افزود: شرکت‌های خودروسازی با توسل به این روش‌ها برای دستیابی به سود بیشتر، بازار خودرو را متشنج کرده و مشکلی دیگر بر مشکلات کشور می‌افزایند. عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی گفت: شرکت‌های خودروسازی می‌توانند به صورت منطقی علاوه بر دستیابی به منافع صحیح و اصولی، نگذارند قیمت خودرو به صورت بی‌رویه افزایش یابد.